

مردم چند طبقه هستند

موضوع طبقه بندی مردم که در واقع جزئی از روانشناسی مردم است از قدیم الایام نظریشاً بیان مذهبی و فکری را بخود جلب کرده و هم اکنون نیز فکر روان‌شناسان دوچه اول را بخود مشغول داشته است. پیشوای بزرگ اسلام علی بن ابی طالب میفرمایند: الناس ثلاث: عالم ربانی متعلم به والثالث همچ الراع. یعنی مردم از سه طبقه تشکیل شده اند یکی دانای ربانی است که میتواند حقائق را درک کند و طبقه دوم کسانی هستند که تشخیص میدهند باید از او پیروی کنند و طبقه سوم یعنی آنها که از این دو طبقه نیستند ناچیز و بی ارزش میباشند. افلاطون در کتاب جمهوری^۱ خود که بعداً فارابی حکیم بزرگ بعنوان مدینه فاضله قسمی از آنرا ترجمه کرد و در دنیای غرب بنام شهر های خداویوتوبیا^۲ از آن بارها تقلید و اقتباس نموده اند مردم را به سه دسته تقسیم کرده و میگویندو تدبیر امور ملت باید با فلاسفه و حکما باشد چون آنها بواسطه احاطه ای که بعلوم و خوهای انسانی دارند بهتر میتوانند قوانین وضع کنند و دسته دیگر لشکری ها و چنگجویانند که افلاطون میگوید باید تابع نظر فلاسفه و حکیماشند و اجراء کنند اوامر آنها و طبقه سوم سائر مردم هستند که باید تولید کنند و وسائل زندگی خودشان و آن دو دسته دیگر را فراهم آورند و افلاطون میگوید با این ترتیب نظام اجتماعی عالی یا بقول فارابی مدینه فاضله بوجود خواهد آمد. در دنیای جدید متکیومولف فرانسوی و صاحب کتاب روح القوانین و تأثیفات دیگر که در دنیا شهرت دارد باز مردم را به دسته تقسیم میکند. اگرچه عبارات جدیدی بکار میبرد ولی فکر همانست که افلاطون داده. متکیومیگوید یک طبقه مردان سیاسی هستند که نظام و ترتیب امور مملکت بعده آنهاست و یک دسته باید اوامر آنها را اجرا کنند و دسته دیگر بکار و کسب و زراعت و تجارت پردازند. در اوائل قرن بیستم بس از آنکه مکتب تجزیه و تحلیل روحی^۳ بواسطه استاد روان‌شناس اطربیشی «ذیگموند فروید» رواج کامل یافتد نکته دیگری را فروید مورد توجه قرار داد و گفت محرك قوى برای تمام فعالیت ضمیری انسانی که بسیار قوى است و خط سیر آدمى را در میدان زندگى تعیین میکند تمايلات شهواني است

و گفت این تمايل بقدري قوي است که اگر مانع در مقابل آن بيدا شد میتواند آدمي را باعمال و کارهای عجیب و غریب و ادار نماید و میگوید همین نیرو است که ضمیر^۱ آدمی را بر میانگيزد تا بر خلاف عقل و منطق بفعالیت پردازد و میگوید نوابع از میان مردمی بوجود میآیند که تمايل شهوانی آنها اشبع نشده و بنا بر این تمايلات در آنها تلطیف^۲ شده و شکل خود را عوض کرده و بشكل يك هنر عالی ، يك فکر عالی ، عمل عالی جلوه گر شده است .

بعد از فرويد دوشاكرد نامدارش يكی ادلر و دیگری یونک از نظر استاد عدول کردند و هر يك مكتب جدیدی را مبتکر شدند ، ادلر گفت تمايلی قوی تر و مؤثر تر و فعال تر از نیروی شهوانی در انسان وجود دارد که حتی تمايلات شهوانی را راهنمای و اداره میکند و این نیرو حس غلبه‌جویی و تسلط یافتن بر دیگران است و برای انبات نظریه خود چندین کتاب نوشته که همه در دنیای روان‌شناسی معروف میباشد و همین ادلر است که موضوع عقدة حقارت^۳ را بیش‌گشیده و آنرا محرك قوی برای کلیه اعمال انسانی قرار داده است .

یونک بجهت اجتماعی انسان نظر افکننده مردم را به دسته تقسیم میکند و میگوید يك دسته مردم هستند که پیشتر بعوالم باطنی و فکری و روحی متمايل هستند و بعوالم ظاهری چندان اعتنای ندارند. این مردم هستند که رجال دین و رجال فکر و علم از میان آنها بر میخیزند چون این مردم وقتی بامور ظاهری توجه میکنند پیشتر برای آنستکه امور فکری و ذهنی و روحی و حتی امور وجودانی و ضمیری خود را منظم کنند و این دسته مردم را یونک مردم باطنی^۴ میخواند و دسته دیگری هستند که ذکر و ذکر آنها توجه بعالم خارجی و حوالاتی است که پشت سر هم اتفاق میافتد و تجار و کبه و کلیه مردمی را که با پن قبیل امور اشتغال دارند مردم ظاهری^۵ مینامند و بعد متوجه میشود که طبقه سومی هم وجود دارد که شامل هر دو میشوند . آنها را بعنوان دسته سوم مردم متعدد^۶ میخوانند و میگویند طبقه سوم که با عتمال نزدیکتر هستند بهتر میتوانند امور خود را منظم کنند .

یونک دارای تألفات بسیار است و میان آنها روان‌شناسی طبقه ها مشهور میباشد نکته‌ای که باید از ذکر آن غفلت نکرده‌ایست که هم زیگموند فروید و هم دکتر الفرد ادلر و هم یونک هر سه طبیب و بمعالجه روحی مردم مشغول بوده‌اند . در ضمن معالجه انواع و اقسام بیماریها بکشف و درک این نظریات موفق آمده‌اند . دکتر یونک هم اکنون در سویس بسر میپردازد .

- اکنون از خواهند گان انتظار دارم خود دقت کنند و تشخیص بدهند در کدام یك از طبقات بیاد شده قرار دارند و نیازی خود معلوم کنند آشنا یا نشان از کدام طبقه هستند .

1 - Subconscious

2 - Sublimation

3 - Inferiority Complex

4 - Introvert

5 - Extravert

6 - Ambivalent